



الحشائش

تأثیرگذارترین کتاب داروشناسی دوره اسلامی

شمامه محمدی فرا^۱

الحشائش، یکی از نام‌هایی است که حکما و مترجمان دوره اسلامی به ترجمه عربی کتاب تألیفی پدانیوس دیوسکوریدس^۲، درباره خوراکی‌های درمانی و به ویژه داروهای ساده جانوری، کانی و عمدتاً گیاهی، داده‌اند. دیوسکوریدس، گیاه‌داروشناس مشهور یونانی است که در سده نخست میلادی و احتمالاً بین سال‌های ۴۰ و ۹۰ میلادی در زمان حکومت کلودیوس، نرون و وسپاسیانوس، امپراتورهای روم، زندگی می‌کرد (لوی^۳، ص ۵۸۸؛ استانارد^۴، ۱۹۶۹، ص ۶۰). برخی مؤلفان اسلامی به او نسبت عین زربی داده‌اند زیرا او در شهرک باستانی انازربه، از شهرهای امپراتوری روم (نزدیک طرسوس، مرکز ایالت قدیم کیلیکیا در جنوب خاوری آسیای صغیر، در ترکیه فعلی به نام آناوارزه) به دنیا آمد. این منطقه قبلاً جزو متصرفات روم بود. پس از استیلای عرب‌ها بر آن، نامش به صورت «عین زربی» معرب شد (ابن ابی اصیبعه، ص ۵۸؛ ابن ندیم، ص ۳۵۱؛ دیوسکوریدس، ۱۳۸۳ش، مقدمه اعلم، ص ۱). او در مقدمه کتابش، نامه‌ای به یکی از دوستانش به نام آرئیوس^۵ که مدتی با او می‌زیسته نوشته است. از محتوای این نامه برمی‌آید که دیوسکوریدس احتمالاً در طرسوس و اسکندریه درس خوانده و مدتی نیز به لشکریان رومی در یونان، ایتالیا، اسپانیا، آسیای صغیر و پرووانس خدمت می‌کرده و به دلیل زندگی سربازگونه‌اش، فرصت دانش‌اندوزی دست اول درباره تشخیص، تهیه و کاربردهای داروها را نداشته است. در بیشتر منابع از او به عنوان پزشک و به عبارت دقیقتر، جراح ارتش یاد کرده‌اند اما برخی به این امر تردید دارند. با توجه به کتابخانه بزرگ اسکندریه می‌توان دسترسی او به این کتابخانه و استفاده از آن را برایش محتمل دانست. همچنین با توجه به نام‌هایی به زبان‌های گوناگون که او برای گیاهان آورده است می‌توان حدس زد که او سفرهای متعددی به کشورهای خاور نزدیک از جمله سوریه و احتمالاً مصر و به گواهی برخی آفریقا، اسپانیا و ایتالیا داشته و این سفرها تجربه فراوانی در شناخت داروها به او بخشیده است (ریدل^۶،

^۱ بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، sh.mohammadifar@yahoo.com

^۲ Pedanius Dioscorides

^۳ J. Levy

^۴ Jerry Stannard

^۵ Areius

^۶ John M. Riddle



۱۹۸۱، ذیل "Dioscorides"؛ پارکر^۷، ص ۷۳۱؛ استانارد، ۱۹۶۹، همانجا).

عواملی را که به دیوسکوریدس در تألیف کتابش کمک کردند می‌توان در چند مورد خلاصه کرد: الف- چنانچه بپذیریم که پزشک ارتش روم بوده، انجام این حرفه، آن هم در کشورهای گوناگون، تجارب فراوانی شامل مطالعه بیماری‌ها، گردآوری و شناسایی گیاهان دارویی و کشف دیگر داروها به او داده است؛ ب- کتاب کراتئوس^۸ (گیاه‌شناس مشهور قرن اول پیش از میلاد)، که دیوسکوریدس از آن استفاده کرده است؛ ج- تشویق‌های دوست پزشکش، آریئوس طرسوسی؛ د- پیروی از مکتب ریشه‌چین‌هایی مانند دیوکلس کاریستوسی^۹ (قرن چهارم پیش از میلاد) و کراتئوس؛ ریشه‌چینان، هم به کار گردآوری و فروش ریشه‌های گیاهان می‌پرداختند و هم طبابت می‌کردند (← لوی، همانجا؛ لوی، ص ۲۱؛ تاریخ داروسازی کرمز و اوردانگ^{۱۰}، ص ۱۵). برای اطلاع بیشتر درباره دیوسکوریدس و کتاب الحشائش او همچنین بنگرید به مقاله «دیوسکوریدس» در دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۸، ۱۳۹۲ (زیر چاپ).

دیوسکوریدس از دیدگاه حکمای اسلامی

پزشکان، گیاه‌داروشناسان و دیگر حکمای اسلامی تقریباً تا نیمه اول سده سوم اطلاعی از دیوسکوریدس و کتاب معروفش نداشتند، زیرا در آثار جابرین حیّان، جاحظ، کندی و ابوحنیفه دینوری نامی از او به میان نمی‌آید. در نیمه دوم سده سوم هجری کتاب او به زبان‌های گوناگون ترجمه و به آثار پزشکی و داروشناسی دوره اسلامی وارد شد (← ادامه مقاله؛ سزگین^{۱۱}، ج ۳، ص ۵۸).

مؤلفان اسلامی نام یونانی دیوسکوریدس را به صورت‌های گوناگونی مانند دیاسقوریدس، دیاسقوریدوس، دیاسقوریدوس، دیسقوریدس و دسقریدوس معرب کرده‌اند (← ابن جلیل، ۱۹۵۵، ص ۲۱؛ قفطی، ص ۱۸۳؛ ابن ابی‌اصیبه، همانجا؛ ابن ندیم، همانجا؛ انطاکی، ج ۱، ص ۲۲). به نوشته حنین بن اسحاق، خویشاوندان دیوسکوریدس او را «أزدش نیادیش» به معنی «خارج / دور از ما» می‌نامیدند زیرا او همیشه دور از آنها و در کوه‌ها و رویشگاه‌های گیاهان زندگی می‌کرد. همچنین حنین «دیسقوری» و «دوس» را به یونانی به ترتیب معادل «اشجار» و «الله» دانسته است (به نقل ابن ابی‌اصیبه، ص ۵۸-۵۹). برخی عقیده داشتند که خداوند برای شناخت درختان و دیگر گیاهان به او الهام می‌کرده است، به همین دلیل قفطی (همانجا) «دیسقوریدوس» را به معنی «شجرالله» دانسته زیرا به نوشته او «دیسقور» به معنی «شجر» و «یدوس» به معنی «الله» است. البته واژه یونانی Διόσχοροι^{۱۲}، معادل دوقلوهای زنوس

⁷ L. A. Parker

⁸ Crateuas

⁹ Diocles of Carystos

¹⁰ Kremers and Urdang's history of pharmacy

¹¹ F. Sezgin

¹² dioschorroi

و لدا^{۱۳}، و ἰδης^{۱۴} به معنی پسر است. این نشان می‌دهد آنچه حکمای اسلامی برای معانی نام دیوسکوریدس آورده‌اند غیر واقعی و ناشی از اهمیت افسانه‌ای این حکیم در نزد آنهاست (← ابن جلیجل، ۱۹۵۵، ص ۲۳، پانویست ۱۱؛ لیدل^{۱۵} و اسکات^{۱۶}، ص ۴۳۵).

تأثیر شگفتی‌آفرین دیوسکوریدس بر داروشناسی دوره اسلامی باعث شده است تا از او به نیکی یاد آورند و گاه حتی در مورد ویژگی‌های شخصی او مبالغه کنند. برخی او را به دلیل پاکی نفس، تلاش فراوان و خدمت به مردم ستوده‌اند. سفرهای بسیار او برای کسب علم و شناسایی دانش داروها باعث شده است گروهی به او لقب «سیاح شهرها» بدهند. گاه نیز شخصی مانند ابوریحان بیرونی، تلاش مجدانه دیوسکوریدس در شناخت داروها و خواص آنها را ستوده و از اینکه چنین کسی در میان ملل مشرق‌زمین وجود نداشته است حسرت می‌خورد. برخی نیز به اشتباه او را از شاگردان بقراط دانسته‌اند در حالیکه این دو هم‌عصر نیستند (← ابن ندیم، همانجا؛ یعقوبی، ج ۱، ص ۱۱۴؛ ابوریحان بیرونی، ص ۱۳). حتی گاه او را همان لقمان حکیم دانسته‌اند (← عقیلی علوی خراسانی، ص ۲۳).

کتاب الحشائش

نام کتاب تألیفی دیوسکوریدس به یونانی περί ὕλης ιατρικῆς (= peri huéls iatrikēs) لفظاً به معنی «اندر هیولای / ماده طبی»؛ عنوان ترجمه‌های لاتین قدیم آن: *de Materia Medica* لفظاً به همان معنی است. این نام برگرفته از محتوای مقاله سوم کتاب است (ریدل، ۱۹۸۱، همانجا). دیوسکوریدس کتابش را به قولی در حدود سال ۶۴ م و به قولی دیگر در سال ۷۸ م نوشته است (← دیوسکوریدس، ۲۰۰۰، مقدمه أسبالدستون و وود، ص xx؛ پارکر، همانجا).

عنوان این کتاب در منابع دوره اسلامی به صورت‌های غالباً نادرستی انتقال یافته است. نام‌هایی که حکما و مؤلفان اسلامی برای کتاب دیوسکوریدس برگزیده‌اند یا به نام مؤلف اشاره دارد مانند کتاب دیاسقوریدس / دیسقوریدس العین زربی، کتاب الافضل دیسقوریدوس؛ یا بر اساس محتوای داروشناسی کتاب که بیشتر شامل گیاهان است، نام‌هایی مانند کتاب الحشائش، المقالات فی الحشائش، کتاب الأشجار و العقاقیر، خواص الأشجار، خواص الشجر و الحیوان، مفردات، الحشائش و الأدوية، و کتاب الأدوية المفردة به آن داده‌اند؛ یا بر اساس تعداد مقالات کتاب، نام «کتاب الخمس مقالات» پذیرفته است (← ابن ندیم، همانجا؛ ابن جلیجل، ۱۹۵۵، ص ۲۱؛ ابن ابی اصیبعه، ص ۵۹، ۴۹۳؛ ابن بیطار، ۱۲۹۱، ج ۱، ص ۲؛ انطاکی، ج ۱، همانجا؛ یعقوبی، همانجا). بیشتر این نام‌ها مبتنی است بر سلیقه شخصی، موضوع و مندرجات کتاب و یا اسمی که پیشینیان روی ترجمه عربی کتاب گذاشته‌اند. اما چون در این کتاب تعداد گیاهان دارویی بیش از سایر داروها است، شاید انتخاب الحشائش به‌وسیله بیشتر مؤلفان

¹³ Leda

¹⁴ idis

¹⁵ Henry George Liddell

¹⁶ Robert Scott



گزینه بهتری باشد.

تأثیر کتاب الحشائش بر پزشکی و داروشناسی غرب و جهان اسلام

دیوسکوریدس نخستین حکیمی بود که اهمیت و لزوم استفاده از هر سه گروه مواد (گیاهی، جانوری و کانی) را دریافت، از خرافه‌گویی پرهیز کرد و بر تجارب شخصی‌اش تکیه کرد. همچنین کتابش میسوطرین راهنمای داروشناسی و داروسازی روزگارش بود. به همین دلیل او تأثیر بزرگی بر پزشکی غیراسلامی و اسلامی گذاشت. در اعتبار و اهمیت کتاب دیوسکوریدس همین بس که جالینوس اظهار کرده که ۱۴ کتاب در باره ادویه مفرده خوانده اما هیچیک را کاملتر از کتاب دیوسکوریدس ندیده است (به نقل ابن جلجل، ۱۹۵۵، همانجا). این کتاب دست‌مایه تألیفات بسیاری در اروپا در زمینه‌های گوناگونی مانند جواهرشناسی، دائرةالمعارف‌نویسی، پزشکی، و حتی سفرنامه‌نویسی مؤلفان اروپایی سده‌های ۱۳-۱۵ میلادی قرار گرفت (← سارتن^{۱۷}، ج ۲، بخش ۲، ص ۱۰۸۱، ۱۹۴۶، ج ۳، بخش ۱، ص ۲۷۰۲، ۲۹۱۹، ۲۹۴۹، ۲۹۵۷، ۲۹۸۲، ۲۹۸۳، ج ۳، بخش ۲، ص ۳۷۳۵، ۳۹۱۹؛ استانارد، ۱۹۸۴، ص ۲۰۶).

در جهان اسلام نیز کتاب الحشائش برای تألیف آثاری در باره داروها مورد استفاده فراوان حکما و نویسندگان اسلامی قرار گرفت. برای نمونه در غرب جهان اسلام کسانی مانند ابن جزار (م. ۳۶۹) در تألیف الاعتماد فی الأدوية المفردة، ابن وافد (م. ج. ۴۶۷) در تألیف الأدوية المفردة، غافقی (م. ۵۶۰) در تألیف فی الأدوية المفردة و ابن بیطار برای نوشتن اثر ماندگار الجامع لمفردات الأدوية و الأغذية، از این کتاب بهره فراوانی برده‌اند (برای نمونه ← ابن جزار، ص ۲۰، ۲۳، ۳۳؛ ابن وافد، ص ۵؛ غافقی، جزء ۱، قسم ۱، ص ۹ - ۱۰؛ ابن بیطار، ۱۲۹۱، همانجا). از دانشمندان شرق جهان اسلام نیز کسانی مانند ابوریحان بیرونی در کتاب الصيدنة فی الطب (برای نمونه ← ص ۱۸۰، ۱۹۰، ۲۰۷)، رازی در تألیف الحاوی فی الطب (← ج ۷، جزء ۲۰، ص ۵، ۶، ۷، ۸، جزء ۲۱، ص ۵، ۶، ۷، ۹)، ابن سینا در القانون فی الطب (← ج ۱، ک ۲، ص ۳۷۶، ۳۸۱، ۳۸۳)، و نیز فارسی‌نویسانی مانند ابومنصور موفق هروی (← فهرست نام اشخاص و عناوین و القاب، ص ۴۳۱، ذیل «دسقوریوس»، «دیسقوریوس» و «دیسقوریوس»)، انصاری شیرازی (← [ص ۸، ۱۱، ۱۴])، سید اسماعیل جرجانی (← ج ۲، کتاب سوم، فهرست موضوعی، ص ۳۴۰، ذیل «دیسقوریوس») و دیگر حکمای اسلامی برای نگارش کتب خود از الحشائش بهره فراوان برده‌اند.

محتوای کتب

کتاب الحشائش دارای یک مقدمه است و پس از این مقدمه کوتاه، مطالبی در پنج مقاله درباره معرفی ویژگی‌ها و خواص دارویی و گاه غیر دارویی مواد آمده است. دیوسکوریدس در مقدمه، کتاب را به دوست

¹⁷ Sarton





و مشوقش، آرئوس طرسوسی، تقدیم کرده و انگیزه خود را از تألیف این کتاب، جبران کاستی‌های موجود در آثار پیشینیان اعلام کرده است. زیرا به گواه او، پیشینیان تنها به تکرار خوانده‌ها و شنیده‌هایی از دیگران اکتفا می‌کردند و لزومی به تجربه شخصی نمی‌دیدند. بر اساس این مقدمه، دیوسکوریدس ناچار به مطالعه تجربی گیاهان در رویشگاه، مشاهده دقیق گیاه در همه فصول، توجه به همه قسمت‌های گیاه، تهیه داروها، و سنجش ارزش دارویی مواد بود و اگر امکان مشاهده داروها را نداشت، اطلاعات افراد بومی و مطلع را به کار می‌گرفت. نام‌های گوناگونی که او به زبان‌های مختلف برای برخی از مواد، به‌ویژه گیاهان، آورده گواه این مدعا و حاکی از استعمال از قومیت‌های گوناگون است. او در ادامه مقدمه‌اش به اهمیت شرایط اقلیمی رشد گیاه، شرایط گردآوری (مانند زمان مناسب چیدن گیاه)، و شرایط نگهداری و آماده‌سازی مواد اولیه تهیه داروها، به ویژه گیاهان دارویی، پرداخته است (← دیوسکوریدس، ۱۹۵۲، ص ۷-۱۱، ۲۴، ۱۲۹، ۱۳۸، ۱۴۳؛ ریدل، ۱۹۸۱، همانجا؛ اسکاربورو^{۱۸}، ص ۲۱۵).

دیوسکوریدس پس از مقدمه، به شرح داروها و ویژگی‌های آنها می‌پردازد. در مقاله نخست، به ترتیب موضوعاتی مانند گیاهان دارویی معطر شامل بوی‌افزارها و دیگ‌افزارها، روغن‌های خوراکی و دارویی مالیدنی، صمغ‌ها و شیرهای گیاهان، برخی ترکیبات شیمیایی مانند نفت و مومیایی، درختان و بوته‌ها، برخی اندام‌های گیاهی دارویی، میوه‌هایی بیشتر گوشتی، و برخی داروهای ساخته شده از میوه‌ها آمده است (← دیوسکوریدس، ۱۹۵۲، ص ۱۱-۱۲۴). او در مقاله دوم نخست به جانوران، از نرم‌تنان گرفته تا پستانداران می‌پردازد و در ادامه به فرآورده‌های جانوری خوراکی و دارویی مانند مواد لبنی، پشم، بافت‌ها و اندام‌های جانوران، عسل و شکر توجه می‌کند. در بخش دیگر این مقاله، به گیاهان و فرآورده‌های گیاهی و داروهای حاصل از آنها می‌پردازد. برای نمونه غلات، ماء‌الشعیر، بقولات (مانند نخود و باقلا)، شب‌بوین (مانند شلغم)، پنیرکیان، تاج‌خروسیان، چغندریان، نعنائیان، مرکبان، کدویان، قارچ کماه و علف‌های دارویی و خوراکی بیشتر تندمزه (مانند پیاز، سیر، خردل، فلفل و زنجبیل) آمده است (← همان، ص ۱۲۷-۲۳۶). مقاله سوم درباره ریشه‌ها، صمغ‌ها و عصاره‌ها، برخی علف‌های دارویی، قارچ دکمه‌ای و در انتها چند داروی با منشأ جانوری است (← همان، ص ۲۳۷-۳۰۸). سایر گیاهانی که دیوسکوریدس در مقالات پیشین به آنها پرداخته مانند برخی ریشه‌ها و گیاهان سمی و مخدر و گل سنگ، محتوای مقاله چهارم را تشکیل می‌دهد (← همان، ص ۳۰۹-۳۷۱). مقاله پنجم در باره تاک‌ها، انگورها، باده‌ها، سرکه‌ها، شربت‌ها و نوشیدنی‌هایی مانند سکنجبین و مواد معدنی دارویی مانند فلزات، کانی‌ها، سنگ‌ها، گل‌ها و حتی فسیل‌هاست (← همان، ص ۳۷۳-۴۴۲).

در پایان کتاب الحشاش دو مقاله (یکی درباره زهرها و پادزهرها و دیگری در باره گزش جانوران مودی و روش درمان آزار آنها) وجود دارد که به نظر می‌رسد به‌وسیله کسان دیگری از جمله حنین یا حبیبش الأعسم دمشقی (خواهرزاده، شاگرد و همکار حنین در بیت‌الحکمه)، ظاهراً برای تکمیل تألیف

¹⁸ John Scarborough



اصلی دیوسکوریدس افزوده شده باشند (← دیوسکوریدس، ۱۳۸۳ ش، [برگ‌های ۳۹۷-۴۲۱]؛ ابن ندیم، همانجا؛ ابن ابی اصیبعه، ص ۵۹؛ اولیری^{۱۹}، ص ۱۶۹).

دیوسکوریدس در کتابش از حدود ۶۰۰ گیاه یا داروی با منشأ گیاهی، ۸۰ جانور یا فرآورده و داروی با منشأ جانوری و ۹۰ کانی یا داروی مرتبط با مواد معدنی یاد کرده است. او برای گیاهان، مواردی مانند نام‌های آن گیاه یا ماده دارویی در زبان‌های گوناگون، ویژگی‌های ریختی، رویشگاه و بهترین شرایط رشد یک گیاه، بخش‌های مورد استفاده، روش آماده‌سازی دارو از آن گیاه، کاربردهای هر ماده، به‌ویژه خواص دارویی، عوارض جانبی و نیز روش‌های تشخیص انواع مغشوش و تقلبی آن دارو را توضیح داده است (برای نمونه ← ۱۹۵۲، ص ۱۱-۱۴، ۱۹). اما برای جانوران، با توجه به آشنایی بیشتر انسان با این جانداران، لزومی به توضیح و بسط توصیف آنها ندیده است. در زمینه مواد معدنی و واکنش‌های شیمیایی نیز برخی نوآوری‌ها در کتابش قابل توجه است. برای نمونه در کتاب او روش به‌دست آوردن جیوه از معدن و قلیا از تارتار، تشخیص زاج آهن به‌وسیله شیرۀ مازو، و تهیه استات مس از سرکه و مس به چشم می‌خورد (← همان، ص ۴۰۳-۴۰۴، ۴۱۷).

دیوسکوریدس به آنچه امروزه به عنوان علم رده‌بندی شناخته می‌شود آگاهی نداشته و عمل نکرده است اما به دلیل شغل طبابت و آگاهی‌اش به خواص مواد، نوعی طبقه‌بندی کیفی بر اساس خواص و کاربردهای دارویی مواد تا حدی در کتابش وجود دارد. برای نمونه، او گیاهان مخدر و سمی را در یک مقاله آورده است. اگر هم نوعی خویشاوندی و شباهت ریختی بین گیاهان احساس می‌کرده، آنها را در کنار هم آورده است. برای نمونه، چندین گونه از گیاهانی که امروزه همگی در خانواده نعنائیان قرار دارند و نیز گیاهانی از خانواده‌های مرکبان و کدوییان را با هم آورده است (← ۱۹۵۲، ص ۲۰۰-۲۰۲، ۲۵۱-۲۵۸، ص ۳۰۹-۳۷۱). گذشته از نوعی ناآگاهی و نیز خرافات که بر همه کتب پزشکی و داروشناسی کهن سایه افکنده است، در کتاب تألیفی دیوسکوریدس، مواردی وجود دارد که با دانش پزشکی، داروشناسی و گیاه‌شناسی امروز در هماهنگی است.

نسخ خطی و کتب چاپ شده در غرب

قدیمی‌ترین نسخه یونانی شناخته شده و موجود از کتاب دیوسکوریدس، نسخه مصور و بسیار نفیس یولیانای آنیکیا^{۲۰} (۴۶۲-۵۲۷ م؛ دختر آلبریوس^{۲۱}، امپراتور روم شرقی)، محفوظ در کتابخانه ملی اتریش در وین است که در حدود ۵۱۲ م در قسطنطنیه (بیزانس یا امپراتوری روم شرقی) برای اهداء به شاهزاده مذکور در جشن عروسی‌اش، نگاشته شده و دارای ترتیب الفبایی و آراسته به نگاره‌هایی رنگی به قلم نقاشی بیزانسی آراسته شده است. ترجمه‌های گوناگونی به زبان‌های لاتینی، ایتالیایی و دیگر زبانها، و نیز

¹⁹ O'Leary

²⁰ Juliana Anicia/Anicia Juliana

²¹ Olybrius

تفسیرها و شرح‌های گوناگونی از کتاب دیوسکوریدس در سده‌های ۱۵ میلادی به بعد به‌ویژه در دوره بیزانس صورت گرفته است. حدود ۸۰ درصد این کتاب‌ها در قرن شانزدهم چاپ شد. از آندرا ماتیولی^{۲۲}، پزشک و طبیعی‌دان مشهور ایتالیایی در قرن ۱۶، به عنوان برجسته‌ترین ویراستار، مترجم و مفسر کتاب دیوسکوریدس یاد کرده‌اند. در سال ۱۵۷۶، جان گودی^{۲۳} گیاه‌شناس این کتاب را از یونانی به انگلیسی ترجمه کرد. گونتر^{۲۴} این دستنوشته را به نقاشی‌های نسخه معروف یولیان آنیکیا آراست و در سال ۱۹۳۴ ویرایش و چاپ کرد (← ریدل، ۱۹۸۱، همانجا؛ همو، ۲۰۰۷، ص ۹۵-۱۰۲؛ پزشکی کهن^{۲۵}، ص ۱۰-۱۱؛ زیگریست^{۲۶}، ص ۱۲۴-۱۲۵؛ استانارد، ۱۹۶۶، ص ۱-۲۱؛ همو، ۱۹۶۶، ص ۱-۵؛ همو، ۱۹۶۹، ص ۵۹؛ دیوسکوریدس، ۱۹۳۴، مقدمه گونتر، ص ۷-۱۱).

ترجمه‌ها، تفسیرها و نسخه‌های خطی در دنیای اسلام

کتاب الحشائش چندین بار در دوره اسلامی ترجمه و تفسیر شده است. با توجه به تأثیر چشمگیری که این کتاب در طبابت و تألیف کتاب‌های پزشکی، داروشناسی و داروسازی دوره اسلامی داشته، ترجمه آن از مهمترین حوادث تاریخ پزشکی این دوره است. نخستین کسی که این کتاب را در دنیای اسلام ترجمه کرد حنین بن اسحاق بود. او این کتاب را به سفارش بختیشوع بن جبرئیل، پزشک مخصوص متوکل، از یونانی به سریانی ترجمه کرد (ریدل، ۱۹۸۵، ص ۶۳۳). آنگاه اسطفن بن بسیل، شاگرد حنین، این اثر را از یونانی به عربی ترجمه کرد. اما حنین که ترجمه اسطفن را نپسندیده بود این بار خودش، هم چهار مقاله نخست را به عربی برگرداند و هم ترجمه اسطفن را اصلاح کرد (ابن ابی اصیبعه، ص ۴۹۳-۴۹۴؛ سارتن، ج ۱، ص ۶۰۱؛ صلیبا^{۲۷}، ص ۳۷۴-۳۷۵؛ توواید^{۲۸}، ص ۶۰۷). ترجمه اسطفن با اصلاح حنین در روزگار خلافت عبدالرحمان بن محمد (عبدالرحمان سوم، ملقب به «الناصر لدین الله»، حک. ۳۰۰-۳۵۰) از بغداد به قرطبه رسید. چون اسطفن نام عربی بسیاری از گیاهان را پیدا نکرده بود، ماهیت بسیاری از گیاهان که همان نام یونانی برایشان حفظ شده بود ناشناخته بود. در قرطبه گروهی از مترجمان و پزشکان مشتاق و آگاه به ترجمه، از جمله حسدای بن شبروط، پزشک یهودی اسپانیایی که به چند زبان آگاه بود، به کمک راهبی یونانی و لاتینی‌دان به نام «نقولا» و با مراجعه به یکی از نسخ یونانی مصور و نفیس این کتاب که در همان روزگار، امپراتور بیزانس به الناصر هدیه داده بود ماهیت عقاقیر ناشناخته الحشائش را آشکار کردند (← ابن عذاری، ج ۲، ص ۲۱۵؛ مقری، ج ۱، ص ۳۶۶-۳۶۷؛ سارتن، ج ۱، ص ۶۶۵؛ اولیری، ص ۱۷۰-۱۷۱). از ترجمه اسطفن که به وسیله حنین تصحیح شده است شش نسخه در نیویورک، ایاصوفیا (استانبول)، بادلیان (آکسفورد)، کتابخانه ملی پاریس، کتابخانه مادرید و موزه بریتانیا

²² Pietro Andrea Gregorio Mattioli (Matthiolus)

²³ John Goodyer

²⁴ Robert T. Gunther

²⁵ *Medicina Antiqua*

²⁶ Henry E. Sigerist

²⁷ George Saliba

²⁸ Alain Touwaide



وجود دارد که بیشتر آنها شامل تصاویر گیاهانند (صلیبا، ص ۳۷۵؛ عرفانیان، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۱۳۱-۱۱۳۲). سزار دوبلر^{۲۹} با همکاری الیاس ترس^{۳۰} نسخه موجود در کتابخانه مادرید را با عنوان المقالات السبع من کتاب دیاسقوریدوس وهو هیولی الطب فی الحشائش والسموم، در سال ۱۹۵۲ در تطوان مغرب چاپ کرده است.

حسین بن ابراهیم بن حسین بن خورشید طبری ناتلی، معروف به ابوعبدالله ناتلی در سال ۳۸۰، نسخه مشترک حنین و اصطفی را با افزودن برخی داروها و تصاویر جدید اصلاح و به سپهسالار

خراسان، امیر ابوعلی سیمجوری (از خاندان سیمجوریان در عهد سامانیان) اهداء کرد. از این اصلاح، چهار نسخه در کتابخانه‌های طوقاپو سرای در استانبول (مجموعه سلطان احمد سوم)، لیدن، موزه بریتانیا و کتابخانه خدابخش در بانکپور (هند) وجود دارد (سارتن، ج ۱، ص ۶۶۳؛ صلیبا، همانجا؛ سزگین، ج ۳، ص ۳۱۵؛ نیر واسطی، ص ۹۵).

متنی که پیش‌تر به وسیله حنین از یونانی به سریانی ترجمه شده بود در سده ششم دو بار به عربی ترجمه شد. نخست ابوسالم ملطی این کتاب را برای فخرالدین قرا ارسلان (۵۳۹-۵۶۲)، از امرای ارتقیه شعبه حصن کیفه، ترجمه کرد. این ترجمه به دست نجم‌الدین آلی (حک. ۵۴۷-۵۷۲)، از حاکمان سلسله ترکمان‌نژاد آرتقی در ناحیه دیار بکر رسید اما آن را نپسندید.

به همین دلیل مهران بن منصور، دانشمند ایرانی، را به این کار مهم گماشت. از ترجمه ملطی دو نسخه در استانبول و پاریس و از ترجمه مهران، چهار نسخه در موزه کاخ گلستان، کتابخانه‌های آستان قدس رضوی، طوقاپو سرای استانبول و کتابخانه ملی پاریس وجود دارد (دی^{۳۱}، ص ۲۷۴-۲۸۰؛ صلیبا، همانجا؛ بیش، ص ۲۸-۴۳؛ دانش‌پژوه، ص ۱۶۰-۱۶۳؛ عرفانیان، ۱۳۸۰ ش، ج ۱۹، ص ۶۴۲-۶۵۳؛ مایل هروی، ص ۴۵۷). چاپ عکسی نسخه موجود در موزه کاخ گلستان با مقدمه مبسوطی از هوشنگ اعلم در سال ۱۳۸۳ ش در تهران منتشر شد. شخصی به نام بهنام بن موسی نیز این کتاب را (احتمالاً از

²⁹ César Emil Dubler
³⁰ Elías Terés Sádaba
³¹ Florence E. Day



یونانی) به عربی برگردانده است، اما از زندگی او اطلاعی در دست نیست. نسخه‌ای از ترجمه او در کتابخانه ملی پاریس وجود دارد (قزوینی، ج ۴، ص ۲۶۴).

چند سده پس از استیلای عرب‌ها بر ایران، به تدریج برخی از حکمرانان ایرانی دیگر تمایلی به زبان عربی نداشتند و فارسی‌نویسی را رواج دادند. نخستین ترجمه فارسی موجود از الحشائش به وسیله علی بن شریف حسینی و در سال ۸۶۷، برای امیر رستم کهدمی (م. ۸۹۳)، از حاکمان محلی گیلان صورت گرفته است. نسخه مبنای کار او، ترجمه عربی مهران بن منصور بود. نسخه‌ای از این ترجمه در کتابخانه



الحشائش، تصویر یکی از صفحات نسخه طوقاپو سرای استانبول، شماره ۲۱۲۷، ترجمه مهران بن منصور.

طوقاپو سرای استانبول وجود دارد (سزگین، ج ۳، ص ۶۰). غیاث‌الدین محمد رضوی نیز در سال ۱۰۶۸، در زمان شاه عباس دوم صفوی (حک. ۱۰۵۲-۱۰۷۷)، ترجمه عربی مهران بن منصور را به فارسی برگرداند. نسخه مصور رنگینی از این ترجمه در کتابخانه بنیاد خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه وجود دارد (از بغداد به اصفهان^{۳۲}، ص ۲۲۸-۲۳۷؛ دانش‌پژوه، ص ۱۶۱).

با توجه به اهمیت کتاب الحشائش و تأثیر چشمگیر و انکارناپذیر آن بر پزشکی و داروشناسی دوره اسلامی، برخی حکما از جمله ابن جلجل، ابن رومیه و ابن بيطار که همگی از دانشمندان اندلسی بودند بر این کتاب شرح و تفسیر نوشتند. ابن جلجل، پزشک و داروشناس قرطبی در قرن چهارم کتابی درباره تعیین ماهیت داروهای موجود در کتاب دیوسکوریدس با عنوان تفسیر أسماء

الأدوية المفردة من کتاب دیسکوریدس نوشته است. نسخه ناقصی از این کتاب در کتابخانه مادرید وجود دارد (ابن جلجل، ۱۹۵۵، پیشگفتار فؤاد سید، ص ۱۷؛ ابن بيطار، ۱۹۸۹، مقدمه ابراهیم بن مراد، ص ۵۱). ابوالعباس نباتی معروف به ابن رومیّه نیز کتابی با عنوان شرح ادویه دیاسکوریدوس وجالینوس والتنبیه علی اوهام مترجمیها نگاشته که نسخه‌ای از آن در کتابخانه نورعثمانیه استانبول موجود است (ابن بيطار، ۱۹۸۹، مقدمه ابراهیم بن مراد ← همان؛ احسان اوغلی، ص ۳۹۸). مشهورترین تفسیری که بر کتاب دیوسکوریدس نوشته شده، از آن ابن بيطار، با عنوان فی الادویه المفردة: تفسیر کتاب دیاسکوریدوس، است. او در مقدمه این اثر، هدف خود را کمک به شناساندن ماهیت داروها و آسان‌سازی

³² De Bagdad à Ispahan

فهم نوشته‌های دیوسکوریدس معرفی کرده است (← ص ۱۰۹). ظاهراً یک شارح اندلسی دیگر به نام ابوالحسن علی بن عبدالله اشبیلی معروف به غلام الحرّ، کتابی با عنوان شرح فی کتاب دیاسقوریدوس نوشته که تاکنون نسخه‌ای از آن پیدا نشده است (← مراکشی، سفر پنجم، قسم اول، ص ۲۳۹). همچنین کتاب مجهول المؤلفی با عنوان شرح لکتاب دیاسقوریدوس فی هیولی الطب متعلّق به اواخر سده ششم وجود دارد که مؤلف در آن به شرح ماهیت نام‌های یونانی ۶۱۰ داروی مذکور در چهار مقاله نخست کتاب دیوسکوریدس پرداخته است. این شرح در سال ۱۹۸۸ در گوتینگن (آلمان) چاپ شده است (← منابع). ظاهراً ابوالفرج یوحنا بن عبری ملطی نیز شرحی بر این کتاب تألیف کرده است (← سارتن، ج ۲، بخش ۲، ص ۱۶۶۱).



تصاویر دو صفحه از الحشائش، ترجمه فارسی غیاث‌الدین محمد رضوی،
موجود در بنیاد خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه در سن پترزبورگ

غیر از دیوسکوریدس مورد نظر این مقاله که در بیشتر منابع اسلامی از او با نام دیوسکوریدس عین زربی یاد می‌کنند، در تاریخ علم دو دیوسکوریدس دیگر نیز وجود دارد: دیوسکوریدس اول (پزشک مخصوص بطلمیوس دوازدهم و کلئوپاترا در قرن اول پیش از میلاد) که برخی منابع دوره اسلامی از او به عنوان مفسر آثار بقراط یاد کرده‌اند و دیوسکوریدس کحّال که پس از جالینوس می‌زیسته، همعصر پزشکان اسکندریه بوده و نخستین کسی است که چشم‌پزشکی را از پزشکی جدا کرد و آن را شغل مخصوص خود گردانید. او یک کتاب در تشریح چشم و دو کتاب در چشم‌پزشکی دارد (← ابن ابی‌اصیبعه، ص ۵۸؛

زنوزی تبریزی، ص ۴۶۵-۴۶۶).

منابع

- ابن ابی اصیبعه، عیون الأنباء فی طبقات الأطباء، چاپ نزار رضا، بیروت [بی تا]؛
- ابن بیطار، الجامع لمفردات الأدوية والأغذية، بولاق، ۱۲۹۱؛
- همو، فی الأدوية المفردة: تفسیر کتاب دیاسکوریدوس، تحقیق ابراهیم بن مراد، بیروت، ۱۹۸۹؛
- ابن جزار، الأعتماد فی الأدوية المفردة، چاپ ادوار القش، بیروت، ۲۰۰۴؛
- ابن جلجل، طبقات الأطباء والحکماء، چاپ فؤاد سید، قاهره ۱۹۵۵؛
- همو، مقالة لابن جلجل، يذكر فيها من الأدوية ما قصر دیسکوریدوس عن ذكره فی كتابه فی هیولی الطب، چاپ آلبرت دیتريش، گوتنگن ۱۴۱۳/۱۹۹۳؛
- ابن سینا، القانون فی الطب، تحقیق و تعلیق ادوار القش، مقدمه علی زیغور، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۷؛
- ابن عذاری، البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب، ج ۲، چاپ کولن و لوی- پرووانسال، بیروت ۱۹۸۳؛
- ابن ندیم، الفهرست، چاپ گوستاو فلوجل، لایپزیگ ۱۸۷۱-۱۸۷۲، چاپ افست بیروت، [بی تا]؛
- ابن وافر اندلسی، کتاب الأدوية المفردة، چاپ احمد حسن بسج، [مقدمه: بیروت ۱۴۲۰/۱۹۹۹]؛
- ابوریحان بیرونی، الصيدنة فی الطب (داروشناسی در پزشکی)، ترجمه روسی از ا. ای. عبیدالله اسرائیلویچ کریموف، ترجمه فارسی از باقر مظفرزاده، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۳ش؛
- اکمل الدین احسان اوغلی، فهرس مخطوطات الطب الاسلامی باللغات العربیة والترکیة والفارسیة فی مکتبات ترکیه، استانبول ۱۴۰۴/۱۹۸۴؛
- علی بن حسین انصاری شیرازی، اختیارات بدیعی، نسخه شماره ۳۴۹۹، موجود در کتابخانه موزه بریتانیا، چاپ عکسی موجود در کتابخانه بنیاد دائرة المعارف اسلامی؛
- تقی بینش، «کتاب الحشائش»، نامه آستان قدس، شماره ۱، دوره هفتم (۲۵ مسلسل)، مشهد [۱۳۳۵ش]؛
- داود بن عمر الأنطاکي، تذكرة اولی الألباب [و] الجامع للعجب العجائب، [قاهره] ۱۴۱۶/۱۹۹۶؛
- سید اسماعیل جرجانی، ذخیره خوارزمشاهی: کتاب سوم (در دو بخش اول و دوم)، به تصحیح و تحشیة محمدرضا محرری، تهران ۱۳۸۲ش؛
- محمدتقی دانش پژوه، «ترجمه حشائش: از نفایس آستان قدس رضوی»، نامه آستان قدس، شماره ۱، دوره دهم (۳۷ مسلسل)، مشهد [۱۳۴۷ش]؛
- پدانیوس دیوسکوریدس، هیولی الطب فی الحشائش والسوموم، ترجمه اصطفی بن بسیل و اصلاح حنین بن اسحاق، چاپ سزار ا. دوبلر و الیاس ترس، تطوان ۱۹۵۲؛
- همان (با عنوان الحشائش)، ترجمه مهران بن منصور بن مهران، چاپ عکسی از نسخه موزه کاخ گلستان، با مقدمه هوشنگ اعلم و محمد مهدی اصفهانی، تهران ۱۳۸۳ش؛
- رازی، الحاوی فی الطب، چاپ محمد محمد اسماعیل، ج ۷، جزءهای ۲۰ و ۲۱، بیروت ۱۴۲۱/۲۰۰۰؛
- عبدالحسین زنوزی تبریزی (رکن الحکماء، فیلسوف الدوله)، مطرح الأتظار، با دیباچه محمود عباسی، تهران، ۱۳۸۸ش؛
- جورج سارتن، مقدمه بر تاریخ علم، ترجمه غلامحسین صدری افشار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران،

۱۳۸۳ش؛

شرح لکتاب دیاسکوریدوس فی هیولی الطب، چاپ آلبرت دیتريش، گوتنگن ۱۴۰۸/۱۹۸۸.
غلامعلی عرفانیان، «کتاب الحشائش یا خواص الأشجار»، در مجموعه مقالات بین‌المللی کتاب و کتابخانه در
تمدن اسلامی (۲۱-۲۳ شهریور ۱۳۷۴)، دفتر سوم: آیین نگارش - نسخه‌شناسی، گردآورده محمد فرخزاد،

مشهد، ۱۳۷۹ش؛

همو، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ج ۱۹: طب، مشهد ۱۳۸۰ش؛
عقیلی علوی خراسانی، مخزن الأدوية، کلکته، ۱۸۴۴، چاپ افست تهران، ۱۳۵۵ش؛
احمدبن محمد غافقی، کتاب فی الأدوية المفردة، تصویر نسخه خطی نیمه اول کتاب، موجود در کتابخانه اُزهر،
دانشگاه مِک‌گیل، ش ۷۵۰۸؛

محمد قزوینی، یادداشت‌های قزوینی، به کوشش ایرج افشار، تهران ۱۳۶۳ش؛
جمال‌الدین ابی‌الحسن علی بن یوسف قفطی، تاریخ الحکماء، و هو مختصر الزوزنی المسمی بالمنتخبات الملتقطات
من کتاب إخبار العلماء بأخبار الحکماء، بغداد، مصر [بی تا]؛

احمد بن محمد مقرئ، نفح الطیب من غصن الاندلس الرطیب، بیروت ۱۳۸۸/۱۹۶۸؛

نجیب مایل هروی، «سرنوشت کتاب الحشائش در شرق جهان اسلام»، سایه به سایه، تهران ۱۳۷۸ش؛
محمدبن محمد مراکش، الذیل و التکملة لکتابی الموصل و الصلة، سفر پنجم، قسم ۱، چاپ احسان عباس،
بیروت [۱۹۶۵؟]؛

حکیم نیر واسطی، تاریخ روابط پزشکی ایران و پاکستان، راولپندی، ۱۳۵۳ش؛
موفق‌الدین علی هروی، الأبنیة عن حقایق الأدوية، تصحیح احمد بهمنیار، چاپ حسین محجوبی اردکانی، تهران،
۱۳۷۱ش؛

احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر، [بی تا]، ج ۲، چاپ افست قم، [بی تا]؛

De Bagdad à Ispahan, [exposition de] Manuscripts islamiques de l'Institut d'Études Orientales, Filiale de Saint-Petersbourg, Académie des Sciences de Russie, Paris 1995, Venise 1994;

Florence E. Day, "Mesopotamian manuscripts of Dioscorides", *The Metropolitan Museum of Art Bulletin*, new series, vol. 8, no. 9, 1950, pp. 274- 280;

Dioscorides, *The Greek Herbal of Dioscorides*, englished by John Goodyer, ed. by Robert T. Gunther, Oxford 1934;

Idem, *De Materia Medica*, ed. and tr. by Tess Anne Osbaldeston & Robert P. A. Wood, Johannesburg, 2000;

Henry George Liddell & Robert Scott, *A Greek- English lexicon*, Oxford 1968;

Kremer's and Urdang's history of pharmacy, revised by Glenu Sonnedecker, 3rd ed., Philadelphia & Toronto 1963;

Martin Levey, *Early Arabic pharmacology: an introduction based on ancient and medieval sources*, Leiden 1973;

Jaroslav Levy, "Robert T. Gunther: the Greek Herbal of Dioscoride...", *ISIS*, vol. 51, no. 4 (Dec. 1960), pp. 588- 590;

Linette A. Parker, "A brief history of *Materia Medica* (continued)", *The American*





- Journal of Nursing*, vol. 15, no. 9, 1915;
- De Lacy O'Leary, *How Greek science passed to the Arabs*, London, Routledge & Kegan Paul LTD, repr. 1964;
- Medicina Antiqua*, codex Vindobonensis 93, Vienna, Österreichische Nationalbibliothek, introduction by Peter Murray Jones, London 1999;
- John M. Riddle, "Dioscorides", *Dictionary of Scientific Biography*, ed. By C. C. Gillis, vol. 3, New York, 1981;
- Idem, "Mahmoud M. Sadek. The Arabic Materia Medica of Dioscorides. X +229 pp., illus., bibl., indexes. St- Jean- Chrysostome, Quebec: Les Editions du Sphinx, 1983", *ISIS*, vol. 76, no. 4, 1985, pp. 633- 634;
- Idem, "Byzantine commentaries on Dioscorides", in *Dumbarton Oaks papers: symposium on Byzantine medicine*, number thirty-eight, 1985, ed. by John Scarborough, Washington D. C., 2007;
- John Scarborough, "Early Byzantine pharmacology", in *Dumbarton Oaks papers: symposium on Byzantine medicine*, number thirty-eight, 1985, ed. by John Scarborough, Washington D. C., 2007;
- George Saliba, "the Arabic Materia Medica of Dioscorides. by Mahmoud M. Sadek, p. 229, 54 illustrations. Quebec: Les Éditions Du Sphinx. 1983", in *Journal of the American Oriental Society*, vol. 107, no. 2, 1987;
- Fuat Sezgin, *Geschichte des arabischen Schrifttums*, vol. 3: Medizin- Pharmazi- Zoologie- Tiereilkunde, Leiden 1970;
- Jerry Stannard, (a), "Dioscorides and renaissance *Material Medica*", *Analecta Medico- historica, 1: Materia Medica in the XVI Century*, Oxford, 1966, repr. in Jerry Stannard, *Herbs and Herbalism in the Middle Ages and Renaissance*, ed. by Katherine E. Stannard and Richard Kay, Great Britain, Hampshire, Ashgate variorum, 1999;
- Idem (b), "P. A. Mattioli and some renaissance editions of Dioscorides", in *Books and libraries at the university of Kansas 4*, Lawrence, 1966, repr. in Jerry Stannard, *Herbs and herbalism in the middle ages and renaissance*, ed. by Katherine E. Stannard and Richard Kay, Great Britain, Hampshire, 1999;
- Idem, "P. A. Mattioli: sixteenth century commentator on Dioscorides", in *Bibliographical contributions 1.*, Lawrence, 1969, repr. in Jerry Stannard, *Herbs and herbalism in the middle ages and renaissance*, ed. by Katherine E. Stannard and Richard Key, Great Britain, Hampshire, Ashgate Variorum, 1999;
- Idem, "Aspects of Byzantine Materia Medica", *Dumbarton oaks papers*, vol. 38: symposium on Byzantine medicine, 1984;
- Henry E. Sigerist, "Dioscoride Latino. *Materia Medica*, Libro primo, a cura di H. Mihăescu. Iași, Tipografia Alexandru A. Terek, 1938. pp. viii + 72.", in *The American Journal of Philology*, vol. 62, no. 1, pp. 124- 125, 1941;
- Alain Touwaide, "Pharmacology", in *Medieval Islamic Civilization: an Encyclopedia*, vol. 2: L-Z, ed. by Josef W. Meri, New York & London, Routledge, 2006.